

به نام خدا

طرح مستند:

**10/15** دقیقه

عبدالله عزیزی

مستند 10/15 دقیقه یک مستند پژوهش میدانی خواهد بود و به بررسی یکی از مهمترین اتفاقات شهر اردبیل ، ببخشید دو اتفاق مهم اردبیل که در یکصد سال گذشته رخ داده است را روایت خواهد کرد .

از وقتی که اون برادران دوقلو هواپیما را اختراع کردند (فکرکنم شاید هم دوقلو نبودند) - که اردبیلی های قدیمی به اون هواپیما ایری پالان می گفتند(پالان نه به معنای پالان الاغ بلکه به معنی هواپیما ) - واز زمانی که هواپیما درآسمان شروع به پرواز کرد متاسفانه همین انسان سلطه طلب از آن شروع به استفاده با مقاصد جنگی کرده است .

اردبیل به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص که در نقشه ایران عزیزمان دارد و همین موقعیت باعث شده ، خدا رو شکرتنها و تنها دوبار که امیدواریم این دوبار هرگز سه بار نشود، چشمان مردم اردبیل به جمال هواپیمای جنگی روشن شده است . یک بار در جنگ جهانی دوم در شهریور 1320 که هواپیماهای روسی برفراز شهر اردبیل شروع به خودنمایی کردند و بار دیگر درست زمانی که مردم زحمت کش اردبیل بعداز یک هفته تلاش درحال استراحت و یا مشغول کارهای خودشان بودند و یا مثل بنده حقیر درحال تماشای صبح جمعه تلویزیون اردبیل که فیلم اولین خون را پخش می کرد ، بودم و تازه خود را در قالب نقش راکی فیلم جانمایی می کردم که یک مرتبه دو هواپیمای جنگی با صدای دلهره آور در بالای شهر اردبیل نمایان شدند و آن هم چه نمایان شدنی؟؟؟

ساعت 10/15 روز جمعه 21 اسفند 1366 دو هواپیمای میگ شکاری ، حالا چرا شکاری نمی دانم چون متوجه نمی شوم چه چیزی را شکار می کنند ، با سرعت هرچه تمام تر هشت بمب که هرکدام حدود سیصد کیلو وزن و حدود 2متر طول داشتند را در سه نقطه اردبیل از جمله یساول، اصغریه و حسنیه انداختند و متاسفانه به گیراز تخریب اماکن باعث جان باختن 15نفر و مجروح شدن 17 نفر از شهروندان اردبیل شدند .

همانگونه که پیشتر عرض کردم و موقعیتی که اردبیل در نقشه ایران عزیزمان دارد جزء معدود شهرهای ایران است که هواپیمای جنگی دشمن بر فراز آن پرواز نکرده است به همین خاطر هیچ کس از جمله مسئولان وقت اردبیل تصور نمی کردند که هواپیمای دشمن بر فراز شهر خودنمایی کند و به همین جهت از طرف نیروهای نظامی آن مقطع در آن لحظه هیچ واکنشی به این حمله صورت نگرفت مگر گروهان اسماعیل لطفی که آن روز در میدان قیام شهر اردبیل در حال مأموریت از طرف شهربانی وقت بوده و با اسلحه کمری خود به سمت هواپیمای متجاوز چند شلیک کرده است و یا اهالی محل که دشنام هایی به خلبان و صدام داده اند.

این اتفاق و رویداد در سال 1366 و هجوم هواپیماهای روسی در شهریور 1320 هنوز هم بعد از گذشت سال ها در خاطر بسیاری از مردم به عنوان یک اتفاق ببخشید دو اتفاق مهم ثبت شده است و هرکس از آن روزها به خصوص 10/15 روز جمعه روایت خودش را از منظر و زاویه دید خود دارد و از آن اتفاق که فکر کنم بیش از ده دقیقه طول نکشیده است به اندازه ساعت ها و روزها خاطره روایت می شود .

مستند 10/15 باتمام احترامی که به همه ایثارگران ، فداکاران و جان باختگان در راه وطن دارد به خصوص حمله هوایی اردبیل سعی خواهد کرد با یک روایت شیرین و جذاب خاطرات آن روز و لحظه را بررسی و چگونگی این رویداد و خاطرات اقشار مختلف مردم را ثبت و ضبط کند.

در طول مستند به بهانه این حادثه به بررسی موارد مختلفی از مسایل فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی حتی شهری و معماری و ارتباطات مردم با همدیگر در آن مقطع نیز پرداخت خواهد شد. چون اتفاقات و خاطره هایی که اقشار مختلف از آن مقطع روایت می کنند به نوعی بازگو کننده مسائل مختلف جامعه در دهه شصست می باشد و می توان فرهنگ به معنای عام را از میان خاطرات گردآوری کرد .

مستند با روایت پیرمردی به نام کریم وافر که راننده تاکسی می باشد آغاز می شود ، کریم که بیش از 50 سال است در حال رانندگی با تاکسی در داخل شهر است و طبق برنامه روزانه خود هر روز ساعت 10 به قهوه‌خانه دوستش رفته و دوستان چای خورده و ادامه کارش را یعنی مسافر کشی در داخل شهر را پی می گیرد. آقای وافر در روز 21 اسفند سال 66 نیز در قهوه‌خانه در حال چای خوردن و گپ و گفت با دوستانش بوده که یک بمب نیز به قهوه خانه اثابت می کند .

مستند با تاکسی آقای وافر در سطح شهر همراه شده و به سراغ افراد مختلفی رفته و خاطرات آنها ثبت و ضبط خواهد شد و برخی از مصاحبه ها را در داخل تاکسی ضبط خواهد شد .

افرادی که در مستند به سراغ آن ها رفته و خاطراتشان ضبط خواهد شد :

- فرماندار و یا معاون فرماندار وقت اردبیل
- فرمانده ارتش و یا سپاه در آن مقطع
- کسی که بمب عمل نکرده را خنثی کرده است
- اهالی محلات یساول ، اصغریه ، حسنیه
- گوینده و مجری رادیو و تلویزیون در آن روز
- خانواده شهدای بمباران اردبیل
- اهالی روستای نیار (یک بمب عمل نکرده در زمین های کشاورزی آنجا افتاده بود)
- قهوه خانه ای که بمب در آنجا افتاده بود
- بیمارستان و کارکنان اورژانس در آن روز
- گروهان لطفی که به هواپیما شلیک کرد
- رئیس آموزش و پرورش وقت اردبیل
- پیرمردانی که هم حمله روسیه را در جنگ جهانی دوم دیده اند و هم آن جمعه را در خاطر دارند

- بازاریان که آماده عید نوروز و بازار دم عید می شدند

- و . .

عبدالله عزیزی

مهر 1402